



۲۰۲۰/۱۰/۰۸

عبدالقیوم میرزاده

روش های استعماری خلیل زاد و امریکا

بر اساس گزارش رسانه های خبری از دوحه امروز ۸ اکتوبر زلمی خلیل زاد تأکید دارد که به هر نحوی که باشد هیئت های دولت افغانستان و طالبان را بر پذیرش اصول و نحوه مذاکرات بر اساس توافقنامه (طالبان- امریکا) مجبور میسازد. او اضافه کرد که همه وسایل فشار را در اختیار و صلاحیت خود دارد اما در گامهای نخستین از مجاری دیپلوماتیک استفاده خواهد کرد. امریکا در اکتوبر سال ۲۰۰۱ به بهانه حادثه ۱۱ سپتمبر و از بین بردن طالبان و القاعدن منحنی مجریان تروریسم بین المللی از زمین و هوا به افغانستان حمله کرد. گرچه در همان زمان این لشکر کثی نه بر طبق قانون اساسی امریکا و قوانین مهمت آن برای امنیت ملی امریکا و نه بر طبق مفردات حقوق و روابط بین الدول مشروعیت داشت، اما به لحاظ اینکه این تجاوز طالبان تروریست، گروه اجیر پاکستانی و دشمن انسان و انسانیت را به لحاظ تروریست پروری شان که امنیت منطقه و امنیت جهانی را تهدید میکردند از اداره کشور ما بدور میکرد در سطح ملی و بین المللی چندان با قاطعیت مورد نکوهش قرار نگرفت.

به ادامه این تجاوز، ایالات متحده امریکا بوسیله خلیل زاد مضحکه بن را راه اندازی کرد و در این نمایش بجای تروریستان طالب، اتحاد شمال متشکل از گروه های زور گویان، آدمکشان، دزدان، قاچاقبران تربیت یافته پاکستانی و ایرانی که چهره های کم خشن تر از طالبان جلوه میدادند جمع عده تکنو کرات ها و تحصیل کرده گان افغان مقیم کشور های غربی را بر مسند قدرت در افغانستان نشانند. در مدت بعد از مضحکه بن امریکا، خلیل زاد و سایر نماینده گان امریکایی در افغانستان به همکاری و ابستگان افغانی و ریزرف های پاکستانی دست بدست هم داده با همه وسایل، ذرایع و امکانات شان چور و چپاول دارایی های عامه، غصب جایداد های مردم و املاک دولتی، کشت، پروسس، تولید و قاچاق مواد مخدر، قاچاق منرالهای قیمتی و مواد معدنی، ترویج فساد گسترده در همه سطوح اداره دولت، زور گویی و ترغیب ملوک الطوائف و تضعیف اداره دولت در محلات، ترویج فرهنگ نفاق و خصومت های قومی، زبانی، مذهبی و سمتی مبادرت ورزیده و حکومت های موازی را در درون کشور حمایت، تشویق و ترغیب کردند که کارنامه های ضدملی دو دهه اخیر دوستم، تورن اسمعیل، عطا محمد نور، گل آغا، محقق و ده های دیگر به شمول سر دسته این دزدان و قطاع الطریقان عبدالله عبدالله را میتوان در این فهرست بوضاحت دید.

در طول این مدت امریکا و خلیل زاد منحنی نماینده اش پیوسته تمام ارزش های کشور ما را هم در زمینه های حقوقی، تطبیق قوانین و رعایت اصول قانون اساسی کشور، حقوق بین المللی و روابط بین الدول، امنیت ملی کشور ما را در نتیجه تجاوز عریان پاکستان بوسیله طالبان و گماشتگان ستون پنجمی شان، زیر پا کرده و پیوسته با رویکرد های استعماری با جانب دولت و مردم افغانستان برخورد کرده اند. همین اکنون تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، جان، مال، ناموس، حیثیت و شرافت مردم افغانستان از جانب پاکستان بوسیله طالبان این مزدوران زر خرید شان مورد تجاوز قرار گرفته ولی خلیل زاد و اداره ترمپ در کنار آنها ایستاده و دولت افغانستان را با همه وسایل و ذرایع اش تهدید میکنند.

خلیل زاد در تفاهم با پاکستان مزورانه تلاش دارد تا اوضاع را در قبال مسایل افغانستان و مسئله طالبان به سال ۲۰۰۱ برگرداند. او در جریان مذاکرات با طالبان و امضای توافقنامه با طالبان در فیبروری ۲۰۲۰ هم بدون استیذان و شرکت دولت افغانستان این موضوع را میخواهد به نمایش بگذارد که طالبان تروریست نبوده و امریکا به خطا حکومت آنها را در سال ۲۰۰۱ ساقط کرده

است. بناءً با این توافقنامه مشروعیت آنها دوباره تسجیل و خروج مصنون قوای خویش را به ضمانت آنها مربوط میدانند. همانطوریکه در سایر نوشته ها تصریح کرده ام امریکا در این مدت از هیچ نوع اقدام، فشار، تهدید و تخویف به شیوه های عریان استعماری و استبدادی بر علیه مسئولین و اراکین اداره دولت افغانستان دریغ نکرده است تا آنها را برای تقویت و مشروعیت دهی طالبان و ادار سازند. تحمیل دو مرتبه ای حکومت دوسره بوسیله عبدالله عبدالله، رهایی پنجهزار زندانی طالبان، برکناری و محو فزیکه مهره های ضد طالب و تقویت افراد و مهره هاییکه با طالبان سر سازش دارند در سطوح مختلف اداره دولت از جمله رویکردهائی اند که دقیقاً در خط مخالف منافع ملی کشور ما قرار دارد.

حالا او تلاش دارد با هر نیرنگ که مقدور باشد (به گفته خودش به هر نحوی که باشد) هیئت دولت افغانستان را مجبور میسازد تا مذاکرات را بر پایه توافقنامه امریکا طالبان که همانا مشروعیت دهی رسمی و بین المللی طالبان میباشد، به پیش ببرند. خلیل زاد میخواهد خواست خود را در وجود توافقنامه اش با طالبان که با پاکستانی ها در پشت پرده سازش کرده و ترمپ هم برای انتخاب مجددش به این نمایشات نیازمند میباشد بر جهانیان و مردم افغانستان بقبولاند.

در این جای شک نیست که دولت افغانستان بنا بر عواملی که توضیح آن بحث را به درازا میکشاند با ضعف ها، کمبودی ها، نقایص و کجروی ها همراه است اما هم اکنون یگانه مرجع قانونمند ممتل و حمایت کننده قانون اساسی کشور، تأمین عدالت، رفاه عمومی و مدافع منافع ملی، تمامیت ارضی و حاکمیت دیمو کراسی در کشور میباشد که هیچ گروه، سازمان و گردان الترناتیف یا جای گزین آن وجود ندارد. نقد سالم اداره دولت و ارگانهای اجرایی و قانون گزار هم بوسیله مردم و هم بوسیله اپوزیسیون قانونمند با توضیح مشخص رویکرد و راه های برون رفت کاریست درخور اهمیت بسیار بالا، اما تخریب اداره دولت و تحریک مردم بر علیه حاکمیت دقیقاً مساوی است با تائید گروه طالبان تروریست و تحقق آرمانهای پاکستان و امریکا در خط مقابل منافع ملی افغانستان.

حالا نوبت مردم افغانستان، اداره کشور، مسئولین ادارات مرکزی و محلی، سازمانها و احزاب سیاسی و اجتماعی، جامعه مدنی، اهل خبره، روشنفکران و نماینده گان همه اقشار و لایه های اجتماعی است که در یک صف واحد برای تحقق آرمانهای شان که همانا تحقق منافع ملی کشور ما میباشد قرار گرفته و به خلیل زاد، امریکا و جامعه بین المللی بوضاحت تام برسانند که امضای خلیل زاد در یک توافقنامه با تروریستان بر خلاف منافع ملی کشور ما است و ما با تمام قوت آنرا رد میکنیم.



[برای مطالب دیگر این نویسنده، اینجا کلیک کنید](#)